

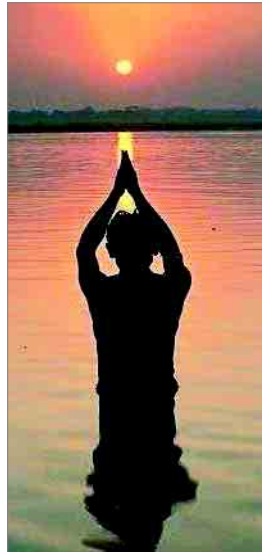
مقاله حاضر که پاره نخست آن روز پیش، از نظر گذشت در پی آن است تا یکی از کانونی ترین و بدیع ترین مفاهیم مکتب روانشناسی استاگران را توضیح دهد. مؤلف در بخش نخست به تشریح هر مضمونهای انسانی از دیدگاه ابراهام مزلو پرداخت و ویژگی های انسان های خود شکوفا را به شرح داد. در بخش حاضر، مؤلف به تبیین دقیق تر ماهیت و تجارب اوج، می پردازد.

گروه اندیشه

تجربه اوج غرق شدن آرزومندی در خوشبختی به عبارت دیگر، یکی شدن فاعل شناسا (subject) و متعلق شناسا (object) است، که در آن هیچ گونه کاستی در ذهن پذیر نمی آید، بلکه آنچه مشاهده می شود، گسترگی بی نهایت تجربه در پهنه تجربه است. در تجربه اوج، فرد از نوا در می آید، تجربه ای از این دست، زمینه ای عینی و مستند به تعالی می بخشد. مزلو، تکرار تجربه اوج را برای خواستاران تحقق خود، حسند و گواهی به حساب آورد که می تواند زندگی بهنجار روان شناختی یا درونی افرادی باشد که انسان کامل اند. به اعتقاد او، بیشتر آسایش از تجربه اوج برخوردارند، اما برخی از ایشان وجود این تجارب را در ذهن خود انکار می کنند. او بر این باور است هر شخصی که ساختار شخصیت اش او را می دارد که شدیداً یا کاملاً عقلگرا یا ماده گرا باشد، تجارب اوج را در ذهن خود نخواهد یافت. چنین فردی، تجارب اوجش را به عنوان نوعی دیوانگی، عدم کنترل کامل و حسنی از مستغرق گشتن در احساساتی غیر عقلانی به حساب می آورد. شخصیتی که از دیوانه شدن می ترسد این روزها، ناامیدانه به ثبات، کنترل و واقعیت می آویزد، ظاهراً از تجارب اوج ترس دارد و آنها را سوس می کند، برای شخص و سوسامی نیز که زندگی خود را بر انکار و کنترل احساسات بنا نهاده است. سوس از غرق شدن در احساسی که به از این کنترل بیشتر می شود، کلافی است تا همه گونه سوس و سوس قائلیت کند که در برابر تجارب اوج بازگردد.^{۱۱}

ای اف ویلیامز (E.F. Williams) در مقدمه ای که در کتاب ادیان، ارزشها و تجارب اوج نگاشته، معتقد است که مزلو در بحث تجارب اوج از کتاب اصناف احوال ادبی (The varieties of Religious Experience) اثر ویلیامز جیمز (William James) و کتاب یک مذهب مشاع (A Common Faith) اثر جان دیوی (John Dewey) تأثیر فراوان داشته است. به گفته مزلو، ویلیامز کسانیکه در ماهیه دریافت الهام مستقیم از خداوند، دارن و نیز با دانشندان قرن نوزدهمی که به قطع وحشی بلکه خود خدا، انکار می کنند، از در مخالفت می آید. مزلو بر این باور است که این الهامات تجارب اوج هستند که نه فقط ویژگی مفهرد فرستادگان خدا، بلکه به طور کلی، ویژگی نوع بشر است. او این الهامات را واقع معنور و روشناختی ای تلقی می کند که بیشتر به صورتی که به او نمودار گشته، توسعه می دهد. سوسل هاسلو و سوسل هاسلو شخصیتی خود را جنبه خاص خود انسان^{۱۲}، از نقطه نظر تجارب اوج، هر کسی، ذهن شخصی و انکشاف شخصی خود را به صورتی که به او نمودار گشته، توسعه می دهد. سوسل هاسلو و سوسل هاسلو شخصیتی خود را خودشان را دراد و ممکن است اینها عمیق ترین معنای ما را برای او داشته باشد. برای کسی دیگری قائلیت ما باشد، به بیان ساده تر، صاحب تجربه ای، معنویت شخصی خود را کشف می کند و توسعه می دهد. این تجربه ممکن است در چارچوب خداپوری ماورالطبیعه یا غیر خداپوری رخ دهد. در واقع، سازمان یافتن دین نهادینه، تلاشی است برای انتقال تجربه های اوج که کسانیکه می به پره از این تجاربند، بیشتر مواقع، این تجارب در اختیار کسانی قرار می گیرد که فاقد تجربه های خود هستند و همین سالیانه بروز مشکلات عینده ای می گردد. با باگهای تاریخ ادیان، یعنی به تبیین که هر فردی خیلی زود به شاخه چپ و راست تقسیم می شود. هر یک سوسل هاسلو (peakers) یا استعلایان (Transcenders)، عرفا و خواصی دیدارانشند در سوی دیگر، کسانیکه هستند که به سوسل هاسلو یا استعلایان و استماره ها عینیت می بخشند، کسانیکه که قطعه های کوچک کوچک چوب را به جای آن چیزی که اشیا، ششله و نماد آن هستند می رسند یا کسانیکه که رعایت قواعد کجک کجک ادبی متن مقدس را مورد عیادت و توجه قرار می دهند، و در عوض، معنای حقیقی متن را فراموش می کنند، و از همه مهمتر کسانیکه که کلیسا را در پیامبر و انکشاف اصلی اش مقدم می دارند.^{۱۳} در مورد کلیساها، این اتفاق رخ داده که پدران کلیسا تجارب عارفانه را از زمره ارتداد شمرده و بر او امری قرار داده که فراتر از واقعیت قرار داده اند. اکنون برای آگاهی از اینکه مزلو چه بگوید و ربط و پیوستگی متنش با دین و تجارب اوج می تواند چه مقاله جنبه های دینی تجارب اوج، ارائه می شود.

جنبه های دینی تجارب اوج، ارائه می شود. هر چیزی را که در تجارب اوج (Peak-experiences) رخ می دهد، معلاً می توان ذیل عنوان ویدئاهای دینی، با دربرداشتن، ذیل عنوان آنچه که در گذشته فقط تجارب دینی (Religious experiences) نامیده می شد، فهرست کرد. جنبه های دینی تجارب اوج عبارتند از:



شناخت هستی و تجارب اوج

مسعود فریامش

۱- خصیصه علم تجارب اوج این است که تمام هستی به مثابه یک واحد و یکپارچه به تجربه می آید. دانشن درکی واضح و روشن (در عوض نوعی پذیرش لفظی فلسفی و مطلقاً انتزاعی) از این نکته که جهان یکپارچه است و آدمی جایگاه خود را در آن دارد - آدمی بخشی از جهان است و بدان تعلق دارد - می تواند تجارب تجربه عمیق و تکان دهنده ای باشد که منش و خلقت شخصی و جهان بینی او را در همیشه تغییر دهد. من خود به طور تجربی دو مورد از مایش داشتم که به دلیل تجربه ای از این دست است یعنی ادراک تمام هستی به مثابه یک یکپارچه [به طور کامل، بی درنگ و برای همیشه از بیامیزی روان تزئینی ناشی از اضطراب مزمن (مورد آمیزش اول) و از تکرار وسوسا گونه خودکشی (مورد آمیزش دوم) خلاصی یافتند. البته، این معنای اصلی ایمان دینی برای بسیاری از انسان هاست.

مزلو بر این باور است که هر شخصی که ساختار شخصیت اش او را وای دارد که شدیداً یا کاملاً عقلگرا یا ماده گرا باشد، تجارب اوج را در ذهن خود نخواهد یافت. چنین فردی، تجارب اوجش را به عنوان نوعی دیوانگی، عدم کنترل کامل و حسنی از مستغرق گشتن در احساساتی غیر عقلانی به حساب می آورد

تجارب دیگر برای آنها این خواهد بود که هستی را یک ماهیه کاملاً آشفته در نظر آورند. در شناختی که از این تجارب اوج حاصل می شود، مشخصاً منحصر و ناماهما که ادراک نوعی می شود. بدین معنی که نوعی تکرار فوق العاده در کار است که در حالت عادی روی می دهد. (به دیگر سخن) واقعی ترین و کامل ترین نوع دریافت دیداری، شنیداری و بساوی در کار است. بخشی از آنچه که این دریافت متمم آن است، تعبیری غیر عادی است. البته، این نه تنها جنبه بسیار عام تجربه دینی است، بلکه جنبه بسیار اکثر نظام های الهیاتی نیز هست. به عبارت دیگر، شخص یگانه و فرادست، مقدس است و به اندازه هر شخص دیگری ارزش دارد و همه فرزندان خدا هستند.

۲) شناخت شخصی (B-Cognition) که در تجارب اوج دست می آید، منوجه تلقی امور بیرونی، یعنی جهان و یکایک آدمیان است. فارغ از علائق و دلمشغولی های انسان، ما در حالت عادی هر امری را به عنوان چیزی مربوط به علائق انسان و خاصه علائق خودمیانده شخصی خودمان، تلقی می کنیم. اما در تجارب اوج تا حد زیادی فارغ دل و بی طرف می شویم و می توانیم جهان را اجتناب ادراک کنیم که گویی هم از مدرک مستقل است و هم به طور کلی از انسان ها، شخص مدرک می تواند اشیا فزونی طبیعت را در ادراک مفقود انسان. او می تواند به آسانی از فراترگشتی اهداف و مقاصد انسانی بر طبیعت بپرهیزد. در هیچ کلام، او می تواند طبیعت را در بود خویش، (یعنی به مثابه یک غایت بی نشئه) بگریزاند. البته که این را درونگویی چیزی محسوب بدارد برای استفاده، اما چیزی هراسناک یا دلخواه یا بیگانه که می توان از برخی طرق خودماندانه، انسانی و شخصی به دستش آورد. به دیگر سخن، شناخت هستی ما را قادر می سازد که به طور واقعی تر سرشت موضوع بی نشئه را ببینیم. این امر کمی شبیه صحبت کردن درباره ادراک خداگونه یا فوق بشری است. ظاهر تجارب اوج ما را به اولی بلندی می رساند، در عوض از بدنیایی میانه، که از آنجا می توانیم راه پترو را در عوض راهی معمولی، ببینیم و شخص خود را در اوقات (۴) این مطلب را می توان به طریقی دیگر نیز گفت که در تجارب اوج، ادراک ممکن است تا حدی در فراتر از من، فراموشی خود، نفی اثبات و ترک خودپرستی باشد. ادراک ممکن است ناگهیکه متحرک، غیر مشخص تر، فارغ دلانه تر شود. می توان گفت که ادراک، بیشتر موضوع محور، می شود تا من محور. تجربه در ادراک، ممکن است بیشتر حول موضوع، به مثابه نقطه مرکزی، پدید آید تا اینکه مبتنی بر من خودپرست، باشد.

پی نوشت ها: ۱. مزلو، ابراهام، ریسند: در اینجا و اینجا، ترجمه مهین میلانی، ص ۱۲ و ۱۵. 2. Maslow, Religions... p22 8. Ibid, p. VI 9. Maslow, Religions... p 23-24

کتاب اندیشه

منطق ایمانی در مارکسیسم علی قلی بیانی طرح نو - ۱۳۸۴



علی قلی بیانی را کمیابترین صاحب سبک است و در حوزه مکاتیب می شناسیم. مهندس است و در حوزه مکاتیب مباحث و فنون وابسته به آن صاحب تخصص است. از سالیان دور که جامعه ایرانی به تلاطمی سیاسی و فرهنگی گرفتار آمد گام در وادی قلم و نگارش نهاد و شهرتی به هم رساند و شیوه ای بی افکنده در پژوهشگری، در ادبیات فرهنگی ایران، نام بیانی با نام هائری برسوسن گره خورده است. بیانی دست کم سه کتاب از برسوسن را به فارسی درآورده است: پژوهش در نهاد زمان و اثبات اختیار - تحول خلق - ماده و یاد. بیانی گویا در برسوسن چیز خاصی یافته است که پیش از هر کسی به سوی او متمایل شده است. اما هر چه هست وقتی آثار تألیفی بیانی به عرصه نشر درآمد تازه فهمیدیم که قرابت آرای برسوسن با ساحات عرفانی شاید دلیل انتخاب او از سوی بیانی باشد. عناوین آثار تألیفی بیانی از این قرار است: دانش و آرمان - پنجاه شماره مقاله فلسفی تحت عنوان گفت و گوهایی فلسفی - منطق عشق عرفانی - منطق نیایش - زندان اندیشه در حدیث نفس بهمنیار. منطق ایمانی در مارکسیسم عنوان یکی از کتابهای مهم بیانی است که هم اینک با ویرایش تازه، پس از سالیانی از سوی طرح نوبه چاپ رسیده است. بیانی به حکم آنکه خود در عرصه علم صاحب تخصص است گویا بیشترین تعداد را بر چه با ادعای علمی بودن مارکسیسم دارد. بیانی، «منطق فلسفی مارکسیسم» را در چهار فصل گرد هم آورده است که فصل اول، بخشهای جزئی تری از خود دارد. فصل اول: در حرکت تفسیری - فصل دوم: مقاصد مارکسیسم - فصل سوم: اوصاف شش گانه مابعد هر عقیده ای که ناسازگار باشد و اثر اجتماعی باشد - فصل چهارم: مبادی مارکسیسم. بیانی بر جایگاه آثار خود مقدمه ای شریفین و دلنشین هم افزوده است.

Logo of the organization and text: 'آگهی فراخوان جهت شناسایی پیمانکار' (Advertisement for contractor selection). It includes contact information and details about the project.

Advertisement for 'Dibi' (دبی) featuring a large number '۲۲۲۲۲۲۲' and text about services and contact details.

Advertisement for 'Dibi' (دبی) with the headline 'دبی با پرواز روزانه ماهان مالزی' (Dibi with daily flights to Malaysia). It lists services, contact numbers, and website information.

Advertisement for 'Dibi' (دبی) with the headline 'فستیوال جراح کتا ۲۰۰۶' (2006 Surgeon Festival). It features a large number '۲۲۲۲۲۲۲' and mentions 'دلتابان'.

Advertisement for 'Dibi' (دبی) with the headline 'دبی ۳۲۰ هزار استانبول ۱۹۰ هزار' (Dibi 320 thousand Istanbul 190 thousand). It lists various services and contact information.

Advertisement for 'Dibi' (دبی) with the headline 'دبی با پرواز روزانه ماهان مالزی' (Dibi with daily flights to Malaysia). It lists services, contact numbers, and website information.

Advertisement for 'Dibi' (دبی) with the headline 'آگهی مناقصه عمومی شماره RHD-8413015-N' (Public Tender Notice No. RHD-8413015-N). It includes details about the tender and contact information.

Advertisement for 'Dibi' (دبی) with the headline 'آگهی مناقصه عمومی شماره RHP-7800105016-R' (Public Tender Notice No. RHP-7800105016-R). It includes details about the tender and contact information.